

۶

نابودی مرگ

برجتا ۱۹: ۳۰

«تمام شد» مفهوم واقعی این جمله این است که:

«من کار را تمام کردم!» این عبارت ششم که بر روی

صلیب به زبان سسیح جاری شد، فریاد آسودگی و

راحت شدن نبود. فریاد تکمیل شدن بود.

در سال ۴۹۰ قبل از میلاد، یکی از مهمترین جنگ‌های تاریخ در دشت ماراتون در شرق آتن، صورت گرفت. مدافعان بیشمار یونانی به ارتش مهاجم پارسیان حمله کردند و آنها را شکست دادند. فرمانده یونانی‌های پیروز، سریع‌ترین سرباز لشکر را که نامش «فدی پیدس» بود انتخاب کرد تا خبر این پیروزی را به شهر محاصره شده آتن برساند. فدی پیدس، علیرغم خستگی فراوانش در نتیجه نبردی شدید، تمام مسیر بین ماراتون و آتن را دوید، طول دقیق مسافتی را که پیمود ۲۶ مایل و ۳۰۰ یارد بود. که در ورزش مدرن امروز آن را معیاری برای دو ماراتون، قرار داده‌اند. وقتی فدی پیدس به آتن رسید وارد شهر شد و نفس زنان تنها یک کلمه بر زبان آورد: «Nikomen!» یعنی «ما

پیروز شدیم!» و سپس بر زمین افتاد و جان داد. تراژدی این عبارت کوتاه بسیار زیبا است. اینطور نیست؟ تنها یک کلمه برای اعلام پیروزی بزرگ! این داستان مرا بیاد ششمین کلام عیسی در روی صلیب می‌اندازد. سخن او نیز یک فریاد کوتاه بود. فقط یک واژه یونانی که در متن یونانی انجیل یوحنا آمده است:

«Tetelesthai!»، «تمام شد!» «همه چیز انجام داده شد... همه چیز تکمیل شد... همه چیز به پایان رسید!» یوحنا آخرین لحظه زندگی مسیح را چنین نوشته است:

عیسی میدانست که دیگر همه چیز تمام شده است. پس برای اینکه مطابق پیشگویی کتاب مقدس عمل کرده باشد، فرمود: «تشنه‌ام» و در آنجا یک کوزه شراب ترشیده بود. پس اسفنجی در آن فرو کردند و بر سر زوفا گذاشته و جلو دهان او بردند. وقتی عیسی چشید، فرمود: «تمام شد» و سر خود را پایین انداخت و جان سپرد.

یوحنا ۱۹: ۲۸-۳۰

«تمام شد». چه چیزی تمام شد؟ منظور عیسی از این جمله چه بود؟ او در مورد سختی رنج‌های خود و پایان یافتن آن و رهایی از آنها صحبت نکرد.

بعضی اوقات وقتی شخصی با مشکلات شدیدی درگیر است، در لحظه مرگش در مورد او می‌گوییم: «خدا رحمتش کند، آسوده شد.» وقتی که عیسی در لحظه آخر آن جمله را به زبان آورد، منظورش این نبود که آسوده شده است. و «تمام شد» در اینجا معنی «آسوده شدم» را نمیدهد، عیسی در اینجا در مورد زندگی‌اش صحبت نمی‌کند. او دربارهٔ ماموریتش صحبت می‌کند، دربارهٔ وظیفه‌اش صحبت می‌کند که برای تکمیل آن به جهان آمد: «تمام شد». مفهوم واقعی این جمله این است که: «من کار را تمام کردم!» این عبارت ششم که بر روی صلیب بر زبان مسیح جاری شد، فریاد آسودگی و راحت شدن نبود. فریاد تکمیل شدن بود.

فریاد تکمیل شدن

عیسی، نیت واقعی زندگی‌اش را تکمیل کرده است. او وظیفه‌ای را که بخاطر آن در کسوت انسان به این دنیا آمد تکمیل کرده است. او با انجام ارادهٔ خداوند ماموریت خود را به نتیجه مطلوب رسانیده است. و آن ماموریت، نوشیدن جام نرد آلود و تلخ، قربانی شدن بود.

عیسی شب قبل از مصلوب شدن، چنین دعایی کرده بود: «پدر، اگر ممکن است، این پیاله را از من بگذران، لیکن نه با ارادهٔ من بلکه به خواسته خودت.» اینک چه ماجرای بر مسیح گذشت؟ عیسی پیالهٔ داوری را تا ته سرکشید، و قطره‌ای از آن برای نوشیدن ما باقی نگذاشت، عیسی کارش را تمام کرده بود، کاری که از آن خدا بود. انجام آنچه که لازم بود، برای گناه و نجات گناهکار

انجام داده شود. او رسالت خود را با مرگ خود تکمیل کرد. توجه کنید! عیسی این جمله را درست قبل از اینکه روح خود را تسلیم نماید، به زبان آورد. آن روز در حدود ساعت سه بعداز ظهر بود که کارش به انجام رسید. عیسی در آخرین لحظه زندگیش این سه جمله را به زبان آورد. او گفت: «من تشنه هستم.» و سربازی به او اندکی سرکه داد تا بنوشد. او سر خود را بلند کرد و فریاد زد: «تمام شد!» و سپس سرش را خم کرد و باین دعا آخرین نفس زندگی را کشید: «پدر به دستانت، روح خود را می‌سپارم.» بنابراین در واقع مسیح تنها با مرگ خود، مأموریت خود را تکمیل نمود. به عبارت دیگر لازم بود تا عیسی بمیرد. تا نقشه محبت آمیز خدا در مورد نجات ما تحقق یابد. نه تنها او به صورت انسان آفریده شد، تعلیم داد، شفا بخشید و معجزات کرد، بلکه او جان خود را بر طبق اخلاص نهاده و آن را در مرگی خونین در روی صلیب، به ما داد.

مرگ عیسی عملاً موجب تکمیل رسالت او شد. ولی مرگ در مورد ما، برعکس عمل می‌کند. مرگ، موجب قطع فعالیت‌های ما می‌شود. مرگ، نقطه پایانی بر زندگی و نقشه‌های ما انسانهاست.

مارتین لوترکینگ هنوز چهل ساله نشده بود، که گلوله یک فردجانی او را از پای درآورد، و کار بزرگ او برای عدالت اجتماعی متوقف شد. ولفانگ امانوس موتزارت، در هنگام مرگ تاثر آور خود، فقط ۳۶ سال داشت، و جهان بخاطر، سنفونی‌های نانوشتۀ او عزادار شد. عیسی نیز در هنگام مرگ جوان بود، ولی ما مرگ او را برای جهان یک فقدان و تراژدی بزرگ نمی‌دانیم. مرگ او نقطه

آغازی برای ماتم‌های ما نبود. مرگ او ما را از نعمت خاصی محروم نکرد، بلکه ترجیحاً موجب برکتی جاودانه برای ما شد. زیرا مرگ عیسی رسالتش را تکمیل کرد. مرگ او عین رسالت او بود. من به طور کلی نمیدانم چرا مرگ عیسی لازمهٔ برخوردار شدن بود، و اینکه چگونه موجب نجات ما شد. ولی آنچه را که میدانم، مفهوم مرگ عیسی برای همهٔ ما، محبت و ایمان به اوست. آنچه را که عیسی با مرگ خود تکمیل نمود نمادی بود که در یک نشانه مافوق طبیعت، درست در آن لحظه که زندگیش به پایان رسید، انجام گرفت. اخیراً به تشریح یوحنا از آن لحظاتی که عیسی مرد، اشاره کردم. این بخش را نیز از انجیل متی، نقل می‌کنم:

- عیسی باز به آواز بلند صیحه زده، روح را تسلیم

نمود، که ناگه پرده هیکل از سر تا پا دوپاره شد و زمین

متزلزل و سنگها شکافته گردید.

متی ۲۷: ۵۰ و ۵۱

پرده‌های هیکل پرده‌هایی سنگین و قلاب دوزی شده بودند که جایگاه مقدس را میپوشانیدند، «قدس الاقداس» مکانی که معرف حضور خدا یا تابوت عهد بود. تنها کاهن اعظم میتوانست به محل قدس الاقداس وارد شود، انهم فقط یکبار در سال، در روز کفار، در آنوقت کاهن اعظم، خون حیوان قربانی شده را برای کفارهٔ گناهان قوم خود، به قدس الاقداس می‌آورد.

ولی عهد جدید میگوید که آن مراحل فقط یک تشریفات بوده‌اند به نشانه قربانی واقعی، «زیرا محال است که خون گاوها و بزها، رفع گناهان را بکند.» ولی مرگ عیسی راه ورود به بهشت را یکبار و برای همیشه برای ما گشود. پردهٔ هنیکل دو پاره شد، زیرا اینک هرکسی میتواند از طریق ایمان به عیسی مسیح به حریم مقدس خداوند راه یابد. این پیغام اساسی عهد جدید و بخصوص رساله به عبرانیان است.

- لیکن مسیح چون ظاهر شد تا رئیس کهنه
نعمت‌های آینده باشد... و نه به خون بزها و
گوساله‌ها، بلکه بخون خود یک مرتبه فقط به مکان
اقدس داخل شد و فدیة ابدی یافت... زیرا که مسیح به
قدس ساخته شد، به دست داخل نشد که مثال مکان
حقیقی است، بلکه بر خود آسمان، تا آنکه در حضور
خدا به جهت ما ظاهر شود و نه آنکه جان خود را بارها
قربانی کند، مانند آن رئیس کهنه که هر سال با خون
دیگری به مکان اقدس داخل میشود زیرا در این
صورت می‌بایست که او از بنیاد عالم بارها زحمت
کشیده باشد، لکن الان یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر
شد تا به قربانی خود گناه را محو سازد.

رساله به عبرانیان ۹: ۱۱-۱۳ و ۲۴ و ۲۵

ماجرای این است، این کاری است که عیسی به کمال رسانید. قربانی تکمیل شد. کفار - عهدی در بین خدای مقدس و انسان‌های گناهکار - تکمیل شد. جز این کار، چه اقدام، کامل و نهایی و تنها برای یکبار در مورد معضل گناه انسان می‌باید انجام میگرفت؟ اینک راه به سوی «پدر» برای هر کسی که به خون عیسی مسیح روی آورد، گشوده شده است.

زیرا میدانید که خریده شده‌اید از سیرت باطلی که از
پدران خود یافته‌اید نه به چیزهای فانی مثل نقره و طلا،
بلکه بخون گرانیها چون خون بره بی عیب و بی داغ،
یعنی خون مسیح.

رساله اول پطرس ۱: ۱۸ و ۱۹

- لیکن الحال در مسیح عیسی شما که در آن وقت دور
بودید، به خون مسیح نزدیک شده‌اید.

رساله به افسسیان ۲: ۱۳

- و اینکه بوساطت او همه چیز را با خود مصالحه دهد
چونکه به خون صلیب وی، سلامتی را پدید آورد.

رساله به کولسیان ۱: ۲۰

عیسی، طریقه خدا است. آنچه که برای کسب نجات لازم بود، انجام گرفت.
ولی بر من و شماست تا با اعتماد کامل به عیسی مسیح، این راه را برگزینیم.

پسر خدا برای ما قربانی شد. در باب سوم رساله به رومیان، پولس رسول
چگونگی برخورداری ما از فیض بخشش و عدالت خدا، چنین بیان می‌کند:

- عدالت خدا که به وسیله ایمان به عیسی مسیح است،
به همه و به کل انانی است که ایمان آورند، زیرا که هیچ
تفاوتی نیست. زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا
قاصر میباشند و به فیض او مجانا عادل شمرده میشوند،
به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است. که خدا
او را از قبل معین کرد تا گناه باشد به واسطه ایمان به
وسیله خون او تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد، به
سبب فرو گذاشتن خطاهای سابق در حین تحمل خدا

رساله به رومیان ۳: ۲۲-۲۵

آن کلام آخرین مسیح بسیار خطیر است. مرگ مسیح که عدالت و رحمت
و صلح و آشتی، خدا را به ارمغان آورد، و عاملی موثری شد برای هر یک از ما
که ایمان بیاوریم. این نجات خود به خود به همه کس اعطاء نمی‌شود. ما باید به
آن باور داشته باشیم، شما باید آن را برای خود بپذیرید، آن را تقاضا کنید، با
ایمان خود را به آن بیاورید! شما باید شخصا به مسیح توکل داشته و خود را
- تمام زندگی خود را، آنچه که هستید و آنچه که دارید - بدون کم و کاست به

او بسیارید. و بدین طریق است که ثمره کار تکمیل شده نجات توسط مسیح، شامل شما نیز خواهد شد.

فریاد پیروزی

بنابراین «دیگر تمام شده!» فریاد تکامل است، و همچنین فریاد پیروزی است. داستانی را که گفتم بخاطر دارید؟ داستان «فیدو پدیس»، دوتنه ماراتن. فریاد او از سر پیروزی بود: «ما برنده شدیم» او گفت: «ما فاتح شدیم!» و اینچنین نیز عیسی فریاد زد: «تمام شده!» یعنی «من غالب آمدم!» کلام او تنها یک فریاد از سر آرامش نبود، اعلامی بود به تمامی جهان که عیسی مسیح پیروز شده است. مرگ او، آنچنانکه مومن بزرگ مسیحی، «جان اودن» گفته است، نابودی، مرگ است. مسیح بر روی صلیب بر گناه، مرگ، شیطان و جهنم غالب آمد و پیروز شد.

«تمام شده!» یعنی این موارد تمام شدند - در رساله کولسیان در مورد مرگ

عیسی چنین می‌خوانیم:

- شما را که در خطایا و نامختونی جسم خود مرده

بودید، با او زنده گردانید چونکه همه خطاهای شما را

امرزد و آن دست خطی را که ضد ما و مشتمل بر

فرائض و به خلاف ما بود، محو ساخت و آن را به

صلیب خود میخ زده از میان برداشت. و از خویشتن

ریاسات و قنوت را بیرون کرده آنها را علانیه آشکار

نمود، چون در آن، بر آنها ظفر یافت.

رساله به کولسیان ۲: ۱۳-۱۵

تمام نیروهای اهریمنی، از جمله تاریکی، قدرت‌های شیطانی دنیای روحانی، بوسیله قربانی محبت خدا بر صلیب برای دنیای گناه آلود، مغلوب شدند. عیسی مسیح پیروز شده است، و چون پیروز شده است، برنده شده است. تمام شد. پیروزی منجر به بردن شد، و در صبحگاه روز سوم، پیروزی او، در یک قبر خالی، محرز شد. اما گرچه همه چیز تمام شد، تحریکات شیطان برای آنانیکه ایمان به رسالت مسیح نیاورده‌اند هنوز ادامه دارد. عیسی مسیح ضربه سختی به شیطان زد، و اینک شیطان زخم خورده و ما در عذابیم، همه اکنون دردها و مشکلات و حتی موت در زندگی هر یک از ما، پدیدار میشوند.

ما هنوز پیروزی کامل را تجربه نکرده‌ایم، زمانی خواهد آمد که خدا در میان قومش ساکن خواهد شد و «هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد، دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت.» (مکاشفه ۲۱: ۳-۴).

این وضعیتی است که بر اساس کتاب مکاشفه در پیش رو داریم، و در آن لحظه، رنج و مرگ از آنانی که مسیح را شناخته‌اند و به او ایمان آورده‌اند، روی برخواهد تافت.

به قول یک نفر نکته سنج، نیزه آتشین مرگ در روی صلیب بر پیکر عیسی
وارد شد، اما وقتی آن را بیرون کشیدند، زخم ناپدید شد.
تمام شد، و چون تمام شد، برنده شدیم، این را بدانید، این را باور کنید این را
بپذیرید.